



Analysis of Employment Changes and Their Role in the Urban Development Process of West Azerbaijan Province (With Emphasis on the Share and Location Change Approach)

Mohammad Mohammadnejad^{1*}, Mojtaba Azmoun²

1. Department of Urban Planning, Faculty of Architecture, Urban Planning, and Arts, Urmia University, Urmia, Iran.

2. Department of Urban Planning, Faculty of Architecture, Urban Planning, and Arts, Urmia University, Urmia, Iran.

Received Date: 11 October 2024 Accepted Date: 12 February 2025

Abstract

Background and Objective: West Azerbaijan Province, due to its geographical and economic characteristics, has undergone significant changes in the labor market and employment. This study aims to investigate the trends in employment changes across three sectors: agriculture, industry, and services during the years 2011, 2016, and 2021. The primary objective of this research is to identify the pattern of employment changes and its impact on the urban development of West Azerbaijan Province.

Methodology: This is a descriptive-analytical study, and the data were collected from library resources and the statistical yearbooks of the country and province. For data analysis, the Shift-Share model was utilized to assess the impact of national and structural factors on employment, and the Location Quotient model was used to differentiate between primary and non-primary jobs.

Results and findings: The findings of this study reveal that between 2011 and 2021, employment in the agricultural and industrial sectors decreased, with the share of employment in agriculture falling from 37.2% to 30.4%, and in industry from 24.8% to 22.3%. In contrast, the public services sector experienced significant growth, with the share of employment in this sector increasing from 23.1% to 30.1%. These changes indicate a shift in labor from the agricultural and industrial sectors to the services sector. The main conclusion of the research shows that employment in agriculture and industry has declined and shifted towards services, highlighting the need for a balanced strengthening of these sectors for sustainable urban development.

Key words: Employment Changes, Regional Economic Analysis, Urban Development, Sustainable Development, West Azerbaijan.

* Corresponding Author Email: en.m.mohammadnejad@gmail.com

Cite this article: Mohammadnejad, M. and Azmoun, M. (2025). Analysis of Employment Changes and Their Role in the Urban Development Process of West Azerbaijan Province (With Emphasis on the Share and Location Change Approach). Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS), 6(2), 184-197.



بررسی تغییرات اشتغال و نقش آن در فرآیند توسعه شهری استان آذربایجان غربی (با تأکید بر رویکرد تغییرات سهم و مکان)

محمد محمدنژاد^{۱*}، مجتبی آزمون^۲

۱. گروه شهرسازی، دانشگاه معماری، شهرسازی و هنر، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

۲. گروه شهرسازی، دانشگاه معماری، شهرسازی و هنر، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۰

چکیده

زمینه و هدف: استان آذربایجان غربی به دلیل ویژگی‌های جغرافیایی و اقتصادی، دستخوش تغییرات قابل توجهی در بازار کار و اشتغال بوده است. این پژوهش با هدف بررسی روند تغییرات اشتغال در سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات طی سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۵ و ۱۴۰۰ انجام شده است. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی الگوی تغییرات اشتغال و تأثیر آن بر توسعه شهری استان آذربایجان غربی است.

روش‌شناسی: این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و داده‌های آن از منابع کتابخانه‌ای و سالنامه‌های آماری کشور و استان جمع‌آوری شده است. برای تحلیل داده‌ها، از مدل تغییر سهم (Shift-Share) به منظور بررسی تأثیر عوامل ملی و ساختاری بر اشتغال، و از مدل ضریب مکانی (Location Quotient) برای تفکیک مشاغل پایه و غیرپایه استفاده شده است.

نتایج و یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰، سهم اشتغال در بخش کشاورزی و صنعت کاهش یافته است، به طوری که سهم اشتغال در کشاورزی از ۳۷٫۲ درصد به ۳۰٫۴ درصد و در صنعت از ۲۴٫۸ درصد به ۲۲٫۳ درصد کاهش یافته است. در مقابل، بخش خدمات دولتی شاهد رشد قابل توجهی بوده است، سهم اشتغال در این بخش از ۲۳٫۱ درصد به ۳۰٫۱ درصد افزایش یافته است. این تغییرات نشان‌دهنده انتقال نیروی کار از بخش‌های کشاورزی و صنعتی به بخش خدمات است. نتیجه اصلی پژوهش نشان می‌دهد که اشتغال در بخش‌های کشاورزی و صنعت کاهش یافته و به بخش خدمات انتقال یافته است، که نیازمند تقویت متوازن این بخش‌ها برای توسعه پایدار شهری است.

کلید واژه‌ها: تغییرات اشتغال، تحلیل اقتصادی منطقه‌ای، توسعه شهری، توسعه پایدار، آذربایجان غربی.

* نویسنده مسئول: en.m.mohammadnejad@gmail.com

ارجاع به این مقاله: محمدنژاد، محمد و آزمون، مجتبی . (۱۴۰۴). بررسی تغییرات اشتغال و نقش آن در فرآیند توسعه شهری استان آذربایجان غربی (با تأکید بر رویکرد تغییرات سهم و مکان). فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه ای، ۶(۲)، ۱۸۴-۱۹۷.

مقدمه و بیان مسأله

توسعه و رشد آتی مناطق یک کشور از حیاتی‌ترین مسائلی است که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان دولتی باید به آن توجه داشته باشند. به همین منظور، شناخت استراتژی‌های توسعه‌ای مناسب، حائز اهمیت فراوانی است و برنامه‌ریزان محلی باید توانمندی‌ها و نقاط ضعف اقتصاد محلی را به‌درستی شناسایی کنند. واقعیت‌های موجود نشان‌دهنده نابرابری‌های گسترده در زمینه اشتغال میان مناطق مختلف کشور است. این نابرابری‌ها نه تنها در سطح استان‌ها، بلکه در بین شهرستان‌های یک استان نیز به‌وضوح دیده می‌شود. چنین پدیده‌ای اغلب ناشی از عدم شناخت کافی از ظرفیت‌ها و استعدادهای مناطق مختلف در توسعه اقتصادی است (FarshadFar et al., 2010: 64). در این میان، آگاهی از پتانسیل‌ها و چالش‌های پیش‌روی مناطق در ابعاد محیطی، اقتصادی و اجتماعی می‌تواند زمینه بهره‌گیری از فرصت‌های توسعه‌ای، به‌ویژه در بخش‌های اقتصادی، را فراهم سازد. این امر با ایجاد بسترهای مناسب برای اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی متناسب با مزیت‌های نسبی موجود، به پایداری توسعه شهری و در نهایت توسعه ملی کمک خواهد کرد. در طول تاریخ، شهرها همواره موتور محرک رشد و توسعه اقتصاد ملی بوده‌اند و هرگونه ناکارآمدی در ایفای این نقش می‌تواند به بحران‌های جدی در سطح اقتصاد ملی منجر شود (Asgari, 2003: 13).

در عصر حاضر، روند جهانی شدن به‌عنوان نیروی پیشران، بر جنبه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بوده است (Jiang & Shen, 2013: 167). این تأثیرات، فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی شهرها را به‌طور فزاینده‌ای متمرکز و فشرده کرده و شهرها را به شبکه‌های جهانی پیوند داده است (Zhu, 2011: 221). این تحولات موجب پیدایش فرصت‌های شغلی جدید در شهرها و تغییراتی در ساختارهای تجاری و اقتصادی آنها شده است (Sarvar & et al., 2010: 25). شناخت ساختار و عملکرد اقتصاد شهری و منطقه‌ای برای برنامه‌ریزی در سطوح مختلف، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (Farhodi, 2006: 13).

دولت‌ها در واکنش به تغییرات ساختاری در مقیاس‌های جهانی، ملی و محلی، نیازمند بازآفرینی و نوسازی شهرها و مناطق کلان‌شهری هستند تا بتوانند با چالش‌های جدید اقتصادی و اجتماعی مواجه شوند (Fernández & Menendez, 2006: 14). در این راستا، شناخت وضعیت اقتصادی شهرها و مزیت‌های نسبی آنها، مسیر روشنی را برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران فراهم می‌سازد تا برنامه‌های اقتصادی مقاوم‌تری و توسعه‌ای مؤثری را تدوین کنند. یکی از ابزارهای مهم در تحلیل اقتصاد منطقه‌ای، روش تغییر سهم و مکان است. این روش تغییرات اشتغال را در ارتباط با روند کلی تغییرات اشتغال در سطح ملی و همچنین در بخش‌های مختلف اقتصادی، بر اساس شرایط ملی و محلی، بررسی می‌کند. الگوی تغییر سهم و مکان برای تجزیه و تحلیل‌های مرتبط با رشد منطقه‌ای، مهاجرت، و تحولات در خرده‌فروشی کاربرد گسترده‌ای دارد (Knudsen, 2002: 177).

مدل‌های تحلیلی نظیر ضریب مکانی و تغییر سهم، ابزارهایی حیاتی برای ارزیابی تأثیر فعالیت‌های اقتصادی مختلف بر اقتصاد منطقه‌ای به شمار می‌روند. این تکنیک‌ها به مقایسه فعالیت‌های اقتصادی مناطق مختلف و شناسایی فرصت‌ها و ظرفیت‌ها برای بهبود عملکرد اقتصادی مناطق کمک می‌کنند. در تحلیل‌های تغییر سهم، تغییر در اشتغال یا تولید یک شهر در مقایسه با منطقه یا کشور، در یک دوره زمانی مشخص، می‌تواند مزیت نسبی پویای یک بخش را در منطقه موردنظر آشکار سازد (Masrinejad & Turki, 2004: 110). این روش نه تنها به شناسایی بخش‌های اقتصادی برتر کمک می‌کند، بلکه روندهای انتقال اشتغال از یک بخش به بخش‌های دیگر را نیز روشن می‌سازد.

استان آذربایجان غربی به‌عنوان یکی از استان‌های مرزی و استراتژیک ایران، از موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای برخوردار است که آن را به پل ارتباطی میان ایران و کشورهای همسایه نظیر ترکیه، عراق و جمهوری آذربایجان تبدیل کرده است. این استان با دارا بودن مرزهای طولانی و چندین گمرک فعال نظیر بازرگان و تمرچین، ظرفیت‌های بالایی برای توسعه تجارت بین‌المللی و ترانزیت کالا دارد. علاوه بر این، تنوع اقلیمی، منابع طبیعی غنی، و وجود جاذبه‌های گردشگری نظیر دریاچه ارومیه و بازار تاریخی خوی و ... زمینه‌های مناسبی برای رشد صنایع گردشگری و کشاورزی فراهم کرده است. همچنین، آذربایجان غربی با برخورداری از نیروی انسانی جوان و تحصیل‌کرده، صنایع فعال در بخش‌های مختلف و زیرساخت‌های حمل‌ونقل، ظرفیت‌های بالقوه‌ای در جهت توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی دارد. با این حال، وجود برخی چالش‌ها نظیر نابرابری‌های منطقه‌ای، مشکلات زیست‌محیطی و ضعف در بهره‌برداری بهینه

از ظرفیت‌های مرزی، ضرورت برنامه‌ریزی دقیق و سیاست‌گذاری‌های هدفمند را برای شکوفایی اقتصادی استان بیش از پیش برجسته می‌کند. هدف مقاله حاضر، بررسی تغییرات سهم اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی استان آذربایجان غربی است. استان آذربایجان غربی به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص، تنوع قومی و فرهنگی، و تفاوت‌های قابل توجه در ساختارهای اقتصادی شهرستان‌های مختلف، نمونه‌ای مناسب برای تحلیل تغییرات اشتغال محسوب می‌شود. با بهره‌گیری از داده‌ها و آمار موجود در بازه زمانی ۱۳۹۰، ۱۳۹۵ و ۱۴۰۰، تلاش خواهد شد تا تغییرات سهم اشتغال و انتقال نیروی کار بین بخش‌های مختلف اقتصادی، تحلیل و بررسی شود. این پژوهش می‌کوشد تا با استفاده از روش تغییر سهم و مکان، تصویری روشن از الگوهای اشتغال و تحولات اقتصادی در این استان ارائه دهد و راهکارهایی برای توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای پیشنهاد کند.

مبانی نظری

شاخص‌های اقتصادی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار در هر منطقه شناخته می‌شوند و نقشی تعیین‌کننده در سنجش وضعیت اقتصادی و برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای دارند. بررسی این شاخص‌ها به درک عمیق‌تری از توانمندی‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های موجود در بخش‌های مختلف اقتصادی کمک می‌کند و مسیرهای مناسبی را برای سیاست‌گذاری‌های کارآمدتر فراهم می‌آورد. در این میان، اشتغال به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی، نمایانگر پویایی و سلامت اقتصاد هر منطقه است و تغییرات آن می‌تواند نشان‌دهنده تحولات ساختاری در بخش‌های مختلف اقتصادی باشد. استان آذربایجان غربی با توجه به موقعیت جغرافیایی خاص خود و هم‌مرزی با کشورهای ترکیه، عراق و جمهوری آذربایجان، از پتانسیل‌های متنوعی در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات برخوردار است. هر یک از این بخش‌ها به‌عنوان زیرساخت‌های کلیدی اقتصاد منطقه‌ای، دارای ویژگی‌ها و شاخص‌های خاصی هستند که تحلیل آن‌ها می‌تواند به درک بهتر از الگوهای اشتغال و توسعه اقتصادی استان کمک کند.

بخش کشاورزی: بخش کشاورزی یکی از بخش‌های اصلی فعالیت‌های اقتصادی است که با وجود پتانسیل‌های نسبی اقتصادی چشمگیر از حیث توسعه اشتغال معمولاً بخشی فرو کاهنده و دارای محدودیت ارزیابی می‌شود. نگاهی به سهم اشتغال بخش کشاورزی در کشور نشان می‌دهد که در طی چهار دهه گذشته اشتغال بخش کشاورزی در سهم کشور به گونه قابل توجهی کاهش یافته است (Karbasi & et al, 2008: 33)، مهم‌ترین شاخص‌های اشتغال بخش کشاورزی که اساس مطالعات قرار می‌گیرند و در این پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند عبارتند از کشاورزی، شکار و جنگلداری و شاخص شیلات.

بخش صنعت: صنعت یکی از مهم‌ترین عناصر توسعه و رشد اقتصادی می‌باشد. توسعه و ترقی بخش صنعت، زمینه و امکان رشد و توسعه سایر بخش‌ها از جمله کشاورزی، بهداشت و درمان حمل‌ونقل و انرژی را فراهم می‌کند؛ بنابراین بخش صنعت در تحولات اقتصادی کشور نقش مهم و کلیدی ایفا می‌کند و به‌واسطه اهمیت چشمگیری که در ایجاد تقاضا و تأمین مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای با منشأ صنعتی برای بخش‌های مختلف اقتصاد دارد، می‌تواند به نقش کلیدی خودکفا عمل کند (Pedram & et al, 2009: 143). شاخص‌های اشتغال در بخش صنعت که اساس مطالعه اشتغال در این مقاله می‌باشند عبارت‌اند از استخراج معدن، صنعت (ساخت)، تأمین برق، آب، گاز و بخش ساختمان.

بخش خدمات: بخش خدمات از بخش‌های مهم فعالیت‌های اقتصادی است. این بخش با ظهور شهرنشینی شکل می‌گیرد و با گسترش روند شهرنشینی، پوشش وسیع‌تری می‌یابد (Shahabadi, 2005: 38). مهم‌ترین شاخص‌های بخش خدمات عبارت‌اند از: عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه موتوری و کالاهای شخصی؛ هتل و رستوران؛ حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات؛ واسطه‌گری‌های مالی؛ مستغلات، اجاره و فعالیت‌های کسب‌وکار، اداره امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی اجباری؛ آموزش؛ بهداشت و مددکاری اجتماعی؛ سایر فعالیت‌های خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی؛ فعالیت‌های خانوارهای دارای مستخدم و فعالیت‌های تولیدی غیرقابل تفکیک؛ سازمان‌ها و هیئت‌های برون‌مرزی؛ ادارات و دفاتر مرکزی.

نظریات و تئوری‌های اقتصادی مرتبط با اشتغال در بخش‌های اقتصادی

اشتغال به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی در ارزیابی رشد و توسعه مناطق مختلف، همواره مورد توجه نظریه‌پردازان اقتصادی بوده است. نظریات و مدل‌های اقتصادی متعددی به تبیین نحوه تأثیرگذاری عوامل مختلف بر اشتغال در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات پرداخته‌اند. به‌طور کلی، تئوری‌های رشد منطقه‌ای را می‌توان در سه دسته کلی طبقه‌بندی کرد:

مدل‌های تقاضامحور (Demand-Side Models):

این گروه از تئوری‌ها، رشد اقتصادی و اشتغال را ناشی از عوامل سمت تقاضا می‌دانند. به‌عبارت دیگر، افزایش تقاضای داخلی و خارجی برای کالاها و خدمات، موتور محرکه رشد اقتصادی و اشتغال در نظر گرفته می‌شود. مدل رشد بر مبنای صادرات (Export Base Model) باز جمله مدل‌های برجسته این دسته است که تأکید دارد رشد اقتصادی مناطق به صادرات محصولات محلی وابسته است. مدل‌های کینزی نیز با تمرکز بر تقاضای کل، به تأثیر مخارج دولت، سرمایه‌گذاری و مصرف بر اشتغال و رشد اقتصادی می‌پردازند (Keynes, 1936). سایر مدل‌های این دسته شامل مدل داده - ستانده (Input-Output Model) و مدل ضریب شتاب‌دهنده (Accelerator Model) هستند که به چگونگی تأثیر متقابل بخش‌های اقتصادی بر یکدیگر می‌پردازند.

مدل‌های عرضه‌محور (Supply-Side Models):

این مدل‌ها بر نقش عوامل سمت عرضه مانند سرمایه، نیروی کار، فناوری و بهره‌وری در رشد اقتصادی تأکید دارند. مدل نئوکلاسیک رشد اقتصادی که توسط رابرت سولو ارائه شد، یکی از مهم‌ترین مدل‌های این دسته است که نقش سرمایه‌گذاری در فناوری و بهبود بهره‌وری نیروی کار را در افزایش تولید و اشتغال برجسته می‌کند (Solow, 1956). در این مدل، تعادل عمومی بازار و تخصیص بهینه منابع از طریق مکانیزم‌های بازار به‌عنوان عوامل کلیدی در رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شوند. مدل‌های یک‌بخشی و دوبخشی نئوکلاسیک نیز به تحلیل چگونگی تخصیص منابع بین بخش‌های مختلف اقتصادی پرداخته و نقش بهره‌وری را در ایجاد اشتغال پایدار بررسی می‌کنند.

مدل‌های تجمعی و علیت‌های درون منطقه‌ای (Cumulative Causation Models):

این دسته از مدل‌ها، تأکید دارند که رشد اقتصادی و اشتغال در یک منطقه، نتیجه فرآیندهای تجمعی و خودتشدیدی است که در اثر شوک‌های خارجی یا داخلی به وجود می‌آیند. گونار میردال (Gunnar Myrdal) با ارائه نظریه علیت تجمعی (Cumulative Causation) نشان داد که توسعه اقتصادی تمایل به تمرکز در مناطق خاص دارد و این تمرکز به‌مرور زمان با جذب منابع بیشتر، منجر به تعمیق شکاف‌های منطقه‌ای می‌شود (Myrdal, 1957). آلبرت هیرشمن (Albert Hirschman) نیز در نظریه پیوندهای پیشین و پسین (Backward and Forward Linkages) به این نکته اشاره می‌کند که سرمایه‌گذاری در بخش‌های کلیدی اقتصادی می‌تواند به ایجاد اثرات زنجیره‌ای در سایر بخش‌ها منجر شود، به‌گونه‌ای که افزایش درآمد از طریق صادرات محصولات متکی بر منابع طبیعی، به‌تدریج تقاضا برای تولید داخلی را افزایش داده و منجر به رشد اقتصادی می‌شود (Hirschman, 1958).

تئوری‌های تخصص‌گرایی و مزیت نسبی

دیوید ریکاردو (David Ricardo) با ارائه نظریه مزیت نسبی (Comparative Advantage) نقطه عطفی در تبیین چگونگی تقسیم کار بین‌المللی و بین منطقه‌ای فراهم کرد. بر اساس این نظریه، مناطق باید در تولید کالاهایی که در آن‌ها دارای مزیت نسبی هستند تخصص یابند و از طریق تجارت، کالاهای دیگر را تأمین کنند. این فرآیند می‌تواند منجر به افزایش بهره‌وری و ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر در بخش‌های دارای مزیت نسبی شود (Ricardo, 1817). این تئوری، مبنایی برای توسعه تجارت بین منطقه‌ای و ایجاد اشتغال در مناطق مختلف به شمار می‌آید.

تغییرات ساختاری و اشتغال

سایمون کوزنتس (Simon Kuznets) در مطالعات خود به تغییرات ساختاری در اقتصاد کشورها اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که با توسعه اقتصادی، سهم اشتغال در بخش کشاورزی کاهش یافته و سهم بخش‌های صنعت و خدمات افزایش می‌یابد (Kuznets, 1955). به اعتقاد کوزنتس، بهره‌وری در بخش کشاورزی اگرچه افزایش می‌یابد، اما سرعت رشد بهره‌وری در بخش صنعت به‌مراتب بیشتر است و این امر موجب انتقال نیروی کار از کشاورزی به صنعت و خدمات می‌شود. همچنین، بخش خدمات در مراحل پیشرفته‌تر توسعه اقتصادی، بخش عمده‌ای از اشتغال را به خود اختصاص می‌دهد، هرچند که نرخ رشد بهره‌وری در این بخش کمتر از میانگین رشد بهره‌وری کل اقتصاد است.

مجموعه این نظریات نشان می‌دهد که رشد اقتصادی و اشتغال در مناطق مختلف به تعامل پیچیده‌ای بین عوامل عرضه و تقاضا، تخصص‌گرایی و تغییرات ساختاری وابسته است. در چارچوب این نظریات، تحلیل اشتغال در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات می‌تواند به شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های توسعه منطقه‌ای کمک کند. در پژوهش حاضر، این نظریات به‌عنوان مبانی نظری به کار گرفته می‌شوند تا تأثیرات آن‌ها بر الگوهای اشتغال در استان آذربایجان غربی و مناطق مشابه بررسی شود.

پیشینه پژوهش

اشتغال به‌عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی در ارزیابی توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق مختلف، همواره مورد توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران قرار داشته است. در این راستا، مدل «تغییر سهم و مکان» (Shift-Share Analysis) به‌عنوان ابزاری تحلیلی برای بررسی تغییرات اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی به کار گرفته می‌شود. این مدل با تفکیک اثرات ملی، صنعتی و منطقه‌ای، امکان تحلیل دقیق‌تری از پویایی‌های اشتغال را فراهم می‌کند. از مطالعات داخلی می‌توان به موارد زیر اشاره نماییم:

صباغ کرمانی و جمشیدی (۱۳۸۰) با استفاده از مدل تغییر سهم و مکان، روند رشد اشتغال و تغییرات ساختاری آن را در بخش صنعت استان‌های کشور طی دوره ۱۳۵۳ تا ۱۳۷۳ بررسی کردند. نتایج نشان داد که از میان ۲۴ استان، ۲۰ استان رشد اشتغال صنعتی بالاتری نسبت به میانگین کشوری داشته‌اند، در حالی که ۴ استان رشد کمتری را تجربه کرده‌اند. همچنین، در ۱۱ استان، رشد اشتغال صنعتی از دوره اول به دوره دوم افزایش یافته است که نشان‌دهنده شکوفایی صنعتی در این مناطق است.

زیاری (۱۳۸۰) در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل و برنامه‌ریزی اشتغال در استان یزد»، ساختار اشتغال در بخش‌ها و زیربخش‌های اقتصادی و اجتماعی استان یزد در دوره ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ با استفاده از مدل اقتصاد پایه و تغییر سهم مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که ساختار اشتغال استان نسبت به سطح ملی مطلوب‌تر بوده و عمده اشتغال توسط بخش خصوصی ایجاد شده است.

دائی و افشون (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ساختار اشتغال بخش‌های مختلف اقتصادی استان فارس طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۶» و پیش‌بینی آن تا سال ۱۴۰۰، با استفاده از مدل‌های اقتصاد پایه و تغییر مکان-سهم، ساختار اشتغال در استان فارس به تفکیک بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است که در طول دوره مورد مطالعه، بخش‌های صنعت و خدمات رشد اشتغال تحقق‌یافته بیش از مقدار مورد انتظار و بخش کشاورزی کمتر از مقدار مورد انتظار داشته‌اند. از مطالعات خارجی در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

استبان (۲۰۰۰) در مطالعه‌ای با عنوان «همگرایی در اروپا و ساختار صنعتی: یک تحلیل تغییر-سهم»، به بررسی نابرابری‌های درون منطقه‌ای و بین منطقه‌ای در اتحادیه اروپا پرداخته و نشان داده است که تفاوت‌های منطقه‌ای عمدتاً به تفاوت در ترکیب فعالیت‌های ناحیه‌ای و شکاف بهره‌وری کل عوامل تولید، به‌ویژه نیروی کار، مرتبط است.

بارف و نایت (۱۹۸۸) در پژوهشی با استفاده از مدل تغییر - سهم، نرخ رشد اشتغال در انگلستان را طی سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۳ تحلیل کرده و بیان کردند که استفاده از مدل پویای تغییر - سهم زمانی مهم است که تغییرات ساختاری و رقابتی در نظر گرفته شود.

اسمیت و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی تغییرات اشتغال در بخش‌های تولیدی و خدماتی در مناطق مختلف ایالات متحده با استفاده از مدل تغییر سهم و مکان تحلیل شده است. نتایج نشان می‌دهد که مناطق با تمرکز بالاتر در صنایع فناوری اطلاعات، رشد اشتغال بیشتری را تجربه کرده‌اند، در حالی که مناطق متکی بر صنایع سنتی با کاهش اشتغال مواجه بوده‌اند.

لی و چن (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی تغییرات ساختاری اشتغال در مناطق شهری چین پرداخته و با استفاده از مدل تغییر سهم و مکان، نقش سیاست‌های دولتی در توسعه بخش خدمات، تأثیر مثبتی بر افزایش اشتغال در مناطق شهری داشته است.

گارسیا و مارتینز (۲۰۲۲) در پژوهشی، تأثیر جهانی شدن بر ساختار اشتغال در کشورهای آمریکای لاتین با استفاده از مدل تغییر سهم و مکان مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که ادغام در بازارهای جهانی منجر به افزایش اشتغال در بخش‌های صادرات محور شده، اما در عین حال، کاهش اشتغال در صنایع محلی را نیز به همراه داشته است.

این مطالعات نشان‌دهنده کاربرد گسترده مدل تغییر سهم و مکان در تحلیل ساختار اشتغال و تغییرات آن در بخش‌های مختلف اقتصادی است. استفاده از این مدل می‌تواند به شناسایی مزیت‌های نسبی و رقابتی مناطق مختلف کمک کرده و مبنایی برای برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای فراهم آورد.

روش‌شناسی

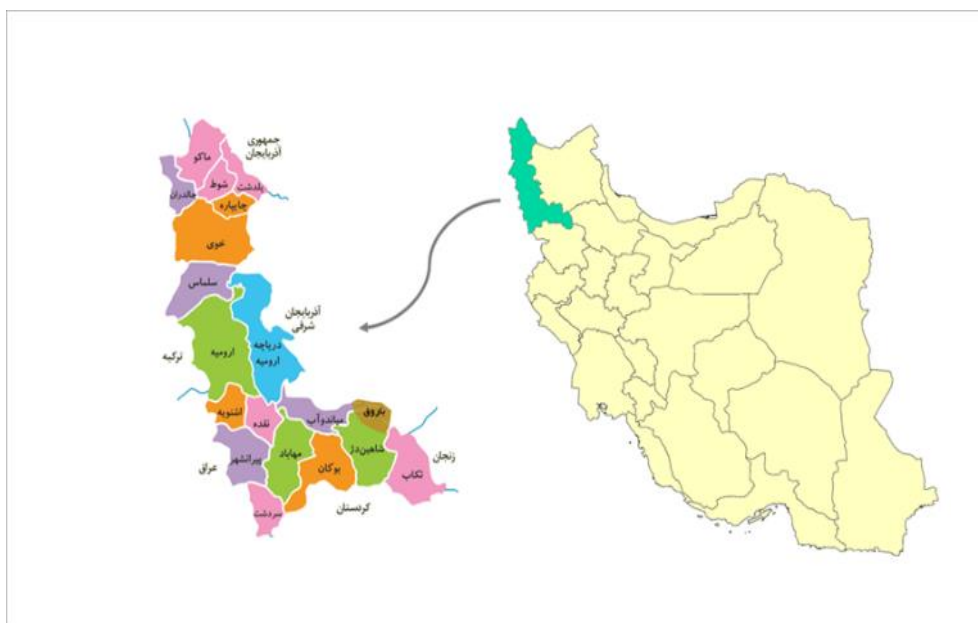
محدوده مورد مطالعه

استان آذربایجان غربی در شمال غربی ایران قرار دارد و از شمال با جمهوری آذربایجان و ترکیه، از غرب با ترکیه و عراق، از شرق با استان‌های آذربایجان شرقی و زنجان، و از جنوب با استان کردستان هم‌مرز است. مساحت این استان ۳۷،۰۵۹ کیلومتر مربع است که ۲،۲۵ درصد از مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهد و از این نظر سیزدهمین استان بزرگ ایران محسوب می‌شود. طبق سرشماری سال ۱۴۰۰، جمعیت استان آذربایجان غربی ۳،۴۳۴،۰۰۰ نفر گزارش شده است که ۴،۰۸ درصد از جمعیت کل کشور را شامل می‌شود و از نظر جمعیتی، هشتمین استان پرجمعیت ایران به‌شمار می‌آید. این استان به دلیل شرایط اقلیمی و منابع طبیعی، یکی از مناطق مستعد در بخش کشاورزی است. همچنین، وجود ایلات و عشایر در این منطقه نقش مهمی در توسعه دامداری دارد. از نظر منابع معدنی، استان آذربایجان غربی در مقایسه با سایر استان‌های کشور در وضعیت متوسطی قرار دارد. با این حال، معادنی نظیر مصالح و سنگ‌های ساختمانی، گرانیت، میکا، زرنیخ، تالک، تراورتن، طلا، خاک نسوز و پوکه معدنی در این استان فعال هستند. بررسی ترکیب کارگاه‌های صنعتی نشان می‌دهد که صنایع کانی‌های غیرفلزی و غذایی - دارویی بیشترین سهم اشتغال را در بین سایر صنایع استان دارند. بر اساس نتایج طرح آمارگیری از نیروی کار در سال ۱۴۰۰، ۴۳،۷ درصد از جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر استان از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند. از این میان، ۳۸،۳ درصد شاغل و ۵،۴ درصد بیکار بوده‌اند. این ارقام برای مردان نشان‌دهنده ۷۴ درصد فعالیت اقتصادی است که ۶۴،۵ درصد شاغل و ۹،۵ درصد بیکار بوده‌اند. در مقابل، نرخ فعالیت اقتصادی زنان ۱۳،۴ درصد بوده که از این تعداد ۱۲،۱ درصد شاغل و ۱،۳ درصد بیکار بوده‌اند. در سال ۱۴۰۰، نرخ بیکاری کلی استان برابر با ۱۲،۴ درصد و نرخ بیکاری جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله برابر با ۱۸،۷ درصد بوده است. نرخ بیکاری در نقاط شهری ۱۳،۵ درصد و در نقاط روستایی ۱۰،۲ درصد گزارش شده است. توزیع نسبی شاغلان ۱۵ ساله و بیشتر استان در سه بخش عمده فعالیت‌های اقتصادی به شرح زیر است:

- ۳۱/۹ درصد در بخش کشاورزی
- ۲۵/۲ درصد در بخش صنعت
- ۴۲/۹ درصد در بخش خدمات

در سال ۱۴۰۰، تعداد کل کارکنان دولت در استان آذربایجان غربی ۷۰،۴۳۶ نفر بوده است که از این تعداد، ۳۹،۴۰۶ نفر مرد و ۳۱،۰۳۰ نفر زن هستند. بر اساس آمارهای اخذ شده از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان آذربایجان غربی، در سال ۱۴۰۰:

- تعداد فرصت‌های شغلی ایجاد شده: ۲۱،۰۰۵ نفر



شکل ۱- موقعیت فضایی استقرار شهرستان های استان آذربایجان غربی در کشور ایران

- تعداد متقاضیان کار: ۵,۶۵۱ نفر
- تعداد افراد به کار گمارده شده: ۱,۴۸۳ نفر

روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و با هدف بررسی تغییرات اشتغال در استان آذربایجان غربی طی سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۵ و ۱۴۰۰ انجام شده است. اطلاعات اولیه از طریق روش کتابخانه‌ای و با استفاده از داده‌های سالنامه‌های آماری کشور و استان آذربایجان غربی برای سال‌های مذکور جمع‌آوری شده است. برای تحلیل داده‌ها، از دو مدل اقتصاد منطقه‌ای شامل مدل تغییر سهم (-Shift) و مدل ضریب مکانی (Location Quotient) استفاده شده است. ابتدا، با به کارگیری مدل تغییر سهم، روند تغییرات اشتغال در استان نسبت به تغییرات ملی در دوره‌های زمانی ده‌ساله بررسی شده است. این مدل کمک می‌کند تا تأثیرات عوامل ملی، ساختاری و رقابتی بر اشتغال استان مشخص شود. سپس با استفاده از مدل ضریب مکانی، به تفکیک مشاغل پایه و غیرپایه پرداخته شده است. این مدل امکان شناسایی فعالیت‌های اقتصادی که مزیت نسبی در منطقه دارند را فراهم می‌آورد. مدل‌های ضریب مکانی و تغییر سهم به‌عنوان ابزارهای اصلی استنباط اقتصادی منطقه‌ای، تحلیل دقیق‌تری از تأثیر فعالیت‌های مختلف اقتصادی ارائه می‌دهند. این روش‌ها به ارزیابی عملکرد فعالیت‌های اقتصادی در ارتباط با یکدیگر و مقایسه با سایر مناطق کمک می‌کنند. همچنین، این مدل‌ها در شناسایی فرصت‌ها و امکانات بالقوه برای تغییر ساختار اقتصادی منطقه و بهبود عملکرد آن نقش مؤثری دارند. داده‌های به‌دست‌آمده از این تحلیل‌ها، تغییرات اشتغال در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات را در سه دوره زمانی ۱۳۹۰، ۱۳۹۵ و ۱۴۰۰ نشان داده و زمینه‌ای برای ارائه راهکارهای بهبود اشتغال در استان آذربایجان غربی فراهم می‌کند.

جدول ۱: اطلاعات اولیه ایران و استان آذربایجان غربی (سالنامه آماری ایران و استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۰، ۱۳۹۵ و ۱۴۰۰)

سال ۱۴۰۰	سال ۹۵	سال ۹۰	
۸۴۰۴۱۰۰۰۰	۷۹۰۹۲۶۰۲۷۰	۷۵۰۱۴۹۰۶۶۹	تعداد جمعیت کشور
۳۰۴۶۵۰۹۳۲	۳۰۲۶۵۰۲۱۹	۳۰۰۸۰۰۵۷۶	تعداد جمعیت استان
۷۰۰۴۹۰۰۰۰۰	۶۶۰۴۲۱۰۹۸۹	۶۲۰۲۵۹۰۳۲۶	تعداد جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر کشور
۲۰۸۴۵۰۰۰۰	۲۶۷۸۸۲۱	۲۵۵۴۷۲۵	تعداد جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر استان
۳۵٫۹٪	۳۴٫۵٪	٪۳۲٫۳	درصد نرخ شاغل کل کشور (نقاط شهری و روستایی)
۲۵۰۲۹۰۰۰۰۰	۲۲۰۹۱۵۰۵۸۶	۲۰۰۴۳۲۰۷۶۲	نرخ اشتغال کل ایران
۳۷٫۲٪	۳۶٪	۳۶٫۵٪	درصد نرخ شاغل استان (نقاط شهری و روستایی)
۱۰۰۵۶۰۰۰۰	۹۶۴۰۳۷۵	۹۳۲۰۴۷۵	نرخ اشتغال استان
۱۷٫۵٪	۱۸٪	۱۸٫۶٪	کشاورزی
۳۱٫۲٪	۳۱٫۹٪	۳۳٫۴٪	درصد سهم هریک از فعالیت‌ها(کشور) صنعت
۵۱٫۳٪	۵۰٫۱٪	۴۸٪	خدمات
۳۰٫۵٪	۳۲٫۸٪	۳۵٫۸٪	کشاورزی
۲۱٫۷٪	۲۲٫۳٪	۲۴٪	درصد سهم هریک از فعالیت‌ها(استان) صنعت
۴۷٫۸٪	۴۴٫۹٪	۴۰٫۳٪	خدمات

یافته های پژوهش

در جدول (۲)، سهم هر یک از بخش‌های اشتغال در سال‌های مختلف ارائه شده است. علاوه بر این، میزان تغییرات اشتغال هر بخش نسبت به سال پایه محاسبه شده و مشاغل پایه و غیرپایه به‌طور دقیق مشخص شده‌اند.

جدول ۲: سهم هر اشتغال در هر یک از منطقه و مقدار ضریب مکانی (سالنامه آماری کشور و استان، ۱۳۹۰، ۱۳۹۵ و ۱۴۰۰)

فعالیت	کشاورزی	صنعتی	خدمات دولتی	جمع	
کشور	۳۰۸۰۰۰۴۹۴	۶۰۸۲۴۰۵۴۲	۹۰۸۰۷۰۷۲۶	۲۰۰۴۳۲۰۷۶۲	۹۰
	۴۰۱۲۴۰۸۰۵	۷۰۳۱۰۰۷۲	۱۱۰۴۸۰۷۰۸	۲۲۰۹۱۵۰۵۸۶	۹۵
	۴۰۴۲۶۰۷۵۰	۷۰۸۸۵۰۸۰	۱۳۰۰۷۸۰۱۷۰	۲۵۰۳۹۰۰۰۰۰	۱۴۰۰
تغییر در اشتغال	۶۲۶۰۲۵۶	۱۰۰۶۰۰۵۳۸	۳۰۲۷۰۰۴۴۴	۴۰۹۵۷۰۲۳۸	
درصد تغییرات	۱۶٫۵	۱۵٫۵	۳۳٫۳	۲۴٫۲	
استان	۳۳۲۰۸۹۴	۲۲۳۰۷۹۴	۳۷۵۰۷۸۷	۹۳۲۰۴۷۵	۹۰
	۳۱۶۰۳۱۶	۲۱۵۰۰۵۵	۴۳۳۰۰۰۴	۹۶۴۰۳۷۵	۹۵
	۳۲۱۰۵۶۰	۲۲۹۰۱۵۲	۵۰۵۰۲۸۸	۱۰۰۵۶۰۰۰۰	۱۴۰۰
تغییر در اشتغال	-۱۱۰۳۳۴	۵۰۳۵۸	۱۲۹۰۵۰۱	۱۲۳۰۵۲۵	
درصد تغییرات	-۳٫۴	-۲٫۴	۳۴٫۴	۱۳٫۲	
LQ1390	۱٫۹۱	۰٫۷۱	۰٫۸۳	-	
تفکیک فعالیت‌ها	پایه	غیربنیادی	غیربنیادی	-	
LQ1395	۱٫۸۲۲	۰٫۶۹۹	۰٫۸۹	-	
تفکیک فعالیت‌ها	پایه	غیربنیادی	غیربنیادی	-	
LQ1400	۱٫۷۴	۰٫۶۹	۰٫۹۳	-	
تفکیک فعالیت‌ها	پایه	غیربنیادی	غیربنیادی	-	

• ضریب مکانی (LQ): این شاخص نشان‌دهنده نسبت سهم اشتغال یک بخش در منطقه به سهم همان بخش در کل کشور است. مقادیر بالاتر از ۱ نشان‌دهنده فعالیت‌های پایه (صادرات‌گرا) و مقادیر کمتر از ۱ نشان‌دهنده فعالیت‌های غیربنیادی (وابسته به تقاضای محلی) هستند.

• تغییرات اشتغال: در استان آذربایجان غربی، طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰، اشتغال در بخش کشاورزی کاهش یافته است، در حالی که بخش خدمات رشد قابل توجهی را تجربه کرده است.

باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده در جدول (۲)، میزان تغییرات اشتغال کشور ۴,۹۵۷,۲۳۸ نفر افزایش یافته که متوسط نرخ رشد ملی ۲۴,۲ درصد است. در مقابل، تغییرات اشتغال استان آذربایجان غربی برابر با ۱۲۳,۵۲۵ شغل افزایش یافته که متوسط نرخ رشد منطقه‌ای ۱۳,۲ درصد است. این نرخ رشد، هماهنگ با متوسط نرخ رشد ملی نیست. در این جدول، سهم اشتغال در بخش کشاورزی و صنعت استان کاهش یافته، در حالی که بخش خدمات با افزایش قابل توجهی روبه‌رو شده است. همچنین، ضریب مکانی بخش کشاورزی بالاتر از یک است که نشان‌دهنده پایه‌ای بودن این بخش در استان محسوب می‌شود.

جدول ۳: اثر رشد ملی در منطقه (یافته‌های تحقیق)

فعالیت	کشاورزی	صنعتی	خدمات دولتی	جمع
اشتغال سال پایه	۳۳۲,۸۹۴	۲۲۳,۷۹۴	۳۷۵,۷۸۷	۹۳۲,۴۷۵
N	۵۳,۵۲۸	۳۴,۶۹۸	۱۲۴,۰۲۲	۲۱۲,۲۴۸
R	-۱۱,۳۳۴	۵,۳۵۸	۱۲۹,۵۰۱	۱۲۳,۵۲۵
R-N=M+S	-۶۴,۸۶۲	-۲۹,۳۴۰	۵,۴۷۹	-۸۸,۷۲۳

طبق نتایج جدول شماره (۳)، اگر سهم اشتغال منطقه‌ای (استان) مطابق با متوسط نرخ رشد ملی افزایش می‌یافت، باید ۲۱۲,۲۴۸ شغل ایجاد می‌شد. در حالی که رشد واقعی اشتغال استان نسبت به سال پایه تنها ۱۲۳,۵۲۵ شغل بوده است، بنابراین استان با کمبود ۸۸,۷۲۳ شغل مواجه است.

جدول ۴: اثر ترکیب بخش‌ها و تغییرات اشتغال در اثر ترکیب بخش‌ها (یافته‌های تحقیق)

فعالیت	کشاورزی	صنعتی	خدمات دولتی	جمع
درصد توزیع اشتغال ملی	۸,۵	۷,۱۱	۱۷,۵	۱۲,۱۵
منطقه‌ای	-۳,۴	-۲,۴	۳۴,۴	۱۳,۲
درصد رشد ملی هر بخش - متوسط نرخ رشد	-۸	-۵,۵	۱,۱	۰
اشتغال منطقه سال پایه	۳۳۲,۸۹۴	۲۲۳,۷۹۴	۳۷۵,۷۸۷	۹۳۲,۴۷۵
M	-۱۲,۰۴۳	-۱۱,۲۷۲	۱۸,۴۳۸	-۴,۸۷۶

بر اساس تحلیل جدول ۴، تغییرات اشتغال در استان آذربایجان غربی نشان‌دهنده یک جابه‌جایی ساختاری در ترکیب بخش‌های اقتصادی است. بخش کشاورزی، که traditionally به عنوان یکی از ارکان اصلی اشتغال در استان محسوب می‌شود، با کاهش قابل توجهی مواجه شده است. درصد توزیع اشتغال در این بخش نسبت به سطح ملی پایین‌تر بوده و شاخص اثر ترکیب بخش‌ها (M) نیز کاهش ۱۲,۰۴۳ نفری را نشان می‌دهد. این کاهش می‌تواند ناشی از عواملی مانند کاهش بهره‌وری، تغییرات اقلیمی یا مهاجرت نیروی کار به بخش‌های دیگر باشد. بخش صنعت نیز وضعیت مشابهی دارد و با کاهش ۱۱,۲۷۲ نفر در اشتغال، نتوانسته سهم قابل توجهی در ایجاد فرصت‌های شغلی جدید ایفا کند که این موضوع می‌تواند به نبود زیرساخت‌های مناسب، کمبود سرمایه‌گذاری یا سیاست‌های صنعتی ناکارآمد مرتبط باشد. در مقابل، بخش خدمات دولتی رشد مثبتی را تجربه کرده است. درصد توزیع اشتغال در این بخش به ۳۴,۴ درصد رسیده که به‌مراتب بالاتر از میانگین ملی است (۱۷,۵ درصد). این افزایش، که با رشد ۱۸,۴۳۸ نفری اشتغال همراه بوده،

نشان‌دهنده تمرکز استان بر گسترش مشاغل دولتی و عمومی است. با این حال، این وابستگی بیش از حد به بخش خدمات دولتی می‌تواند در بلندمدت پایداری اقتصادی استان را تهدید کند، زیرا رشد اشتغال در این بخش معمولاً محدود و وابسته به بودجه‌های دولتی است. در مجموع، تأثیر کلی ترکیب بخش‌ها بر اشتغال استان منفی بوده و کاهش ۴،۸۷۶ نفری را نشان می‌دهد. این موضوع نشان می‌دهد که افزایش اشتغال در بخش خدمات دولتی نتوانسته کاهش در بخش‌های کشاورزی و صنعتی را جبران کند. بنابراین، برای بهبود وضعیت اشتغال و ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار، استان نیازمند بازنگری در سیاست‌های اقتصادی و تمرکز بر توسعه صنایع کوچک و متوسط، نوسازی کشاورزی و کاهش وابستگی به مشاغل دولتی است. جدول شماره (۵) اثر سهم منطقه است که بر اساس جدول‌های (۱)، (۲)، (۳) و (۴) بدست می‌آید.

جدول ۵: اثر سهم منطقه (یافته‌های تحقیق)

فعالیت	کشاورزی	صنعتی	خدمات دولتی	جمع
اشتغال	۳۳۲،۸۹۴	۲۲۳،۷۹۴	۳۷۵،۷۸۷	۹۳۲،۴۷۵
	۳۱۶،۳۱۶	۲۱۵،۰۵۵	۴۳۳،۰۰۴	۹۶۴،۳۷۵
	۳۲۱،۵۶۰	۲۲۹،۱۵۲	۵۰۵،۲۸۸	۱،۰۵۶،۰۰۰
	R(1390 - 1395)	-۸،۷۳۹	۵۷،۲۱۷	۳۱،۹۰۰
	R(1395 - 1400)	۵،۲۴۴	۱۴،۰۹۷	۷۲،۲۸۴
اثر تغییرات اشتغال	۴۰،۴۵۱	۲۷،۱۹۴	۴۵،۶۶۲	۱۱۳،۳۰۷
	-۱۲،۰۴۳	-۱۱،۲۷۲	۱۸،۴۳۸	-۴،۸۷۶
	۱۰،۸۵	۷	۱۲۱	۱۴۰

تحلیل جدول ۵ نشان‌دهنده اثرات تغییرات اشتغال در استان آذربایجان غربی در دوره‌های مختلف است. در این جدول، میزان تغییرات اشتغال در هر بخش و اثرات آن بر روی اشتغال کلی استان در سال‌های مختلف (۱۳۹۰، ۱۳۹۵، و ۱۴۰۰) بررسی شده است. در بخش کشاورزی، مشاهده می‌شود که اشتغال از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ به میزان ۱۶،۵۷۸ نفر کاهش یافته و در دوره بعدی (۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰) تغییرات جزئی به میزان ۵،۲۴۴ نفر افزایش داشته است. این نشان‌دهنده روند نزولی در اشتغال بخش کشاورزی است که ممکن است ناشی از عواملی مانند کاهش بهره‌وری، تغییرات اقلیمی یا مهاجرت نیروی کار به بخش‌های دیگر باشد. در بخش صنعتی، کاهش اشتغال از ۸،۷۳۹ نفر در دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ و افزایش محدود در دوره ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ به میزان ۱۴،۰۹۷ نفر مشاهده می‌شود. کاهش اشتغال در این بخش می‌تواند به کمبود سرمایه‌گذاری، مشکلات زیرساختی یا سیاست‌های ناکارآمد صنعتی مربوط باشد. بخش خدمات دولتی رشد قابل توجهی را تجربه کرده است. اشتغال در این بخش از ۵۷،۲۱۷ نفر در دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ به ۷۲،۲۸۴ نفر در دوره ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ افزایش یافته است. این رشد مثبت نشان‌دهنده تمرکز بیشتر بر توسعه مشاغل دولتی و عمومی در استان است، اما ممکن است باعث ایجاد وابستگی بیش از حد به بخش خدمات دولتی و تهدید پایداری اقتصادی در بلندمدت شود. در نهایت، مجموع تغییرات اشتغال در استان در طول این دو دوره (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ و ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰) ۹۱،۶۲۵ نفر بوده است. این نشان‌دهنده رشد اشتغال در سطح کلی است، اما با توجه به تغییرات در ترکیب بخش‌ها، به‌ویژه کاهش اشتغال در بخش‌های کشاورزی و صنعتی، این رشد نمی‌تواند کاملاً مثبت تلقی شود. کاهش اشتغال در این دو بخش می‌تواند اثرات منفی بر توسعه پایدار استان داشته باشد. برای رفع این مشکلات، بازنگری در سیاست‌های اقتصادی و تمرکز بر تقویت بخش‌های کشاورزی و صنعتی ضروری به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این تحقیق، تلاش شده است تا با تحلیل تغییرات اشتغال در استان آذربایجان غربی و تأثیرات آن بر فرآیند توسعه شهری، ابعاد مختلف تحولات اقتصادی در این منطقه به‌طور دقیق بررسی شود. استان آذربایجان غربی، با ویژگی‌های جغرافیایی خاص، تنوع قومی

و فرهنگی، و تفاوت‌های اقتصادی در شهرستان‌های مختلف، یک نمونه مناسب برای مطالعه تغییرات اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی است. این پژوهش با تمرکز بر تغییرات سهم اشتغال در بخش‌های کشاورزی، صنعتی، و خدمات دولتی، به‌ویژه با استفاده از روش تغییرات سهم و مکان، تلاش دارد تا تصویری روشن از تحولات اقتصادی استان ارائه دهد و راهکارهایی برای توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای پیشنهاد کند. هدف این مقاله بررسی تأثیر تغییرات سهم اشتغال در این بخش‌ها بر فرآیند توسعه شهری استان است و با تحلیل داده‌های موجود در سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۵ و ۱۴۰۰، تلاش می‌کند روند تغییرات اشتغال و انتقال نیروی کار بین بخش‌های مختلف اقتصادی استان را شناسایی کند. بر اساس یافته‌های این تحقیق، مشخص شده است که تغییرات اشتغال در بخش کشاورزی و صنعتی در این استان کاهش داشته و بخش خدمات دولتی رشد قابل توجهی را تجربه کرده است. این نتایج نه تنها به تحلیل دقیق‌تری از وضعیت اشتغال در استان آذربایجان غربی می‌پردازد، بلکه زمینه‌ساز پیشنهادات استراتژیک برای توسعه پایدار شهری در این استان است.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که در این دوره زمانی، سهم اشتغال در بخش کشاورزی و صنعت کاهش یافته است. در سال ۱۳۹۰، ۳۷٫۲ درصد از جمعیت شاغل استان در بخش کشاورزی مشغول به کار بودند، اما این سهم در سال ۱۴۰۰ به ۳۰٫۴ درصد کاهش یافت. همچنین، سهم اشتغال در بخش صنعت از ۲۴٫۸ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۲۲٫۳ درصد در سال ۱۴۰۰ رسید. در مقابل، بخش خدمات دولتی رشد قابل توجهی را تجربه کرده است. سهم اشتغال در این بخش از ۲۳٫۱ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۳۰٫۱ درصد در سال ۱۴۰۰ افزایش یافت. این تغییرات نشان‌دهنده یک روند جابجایی نیروهای کار از بخش‌های کشاورزی و صنعتی به بخش خدمات است که می‌تواند نشانه‌ای از تغییرات ساختاری در اقتصاد استان و تمرکز بیشتر بر فعالیت‌های خدماتی و دولتی باشد. این انتقال به ویژه در مناطق شهری، با رشد چشمگیر در بخش خدمات و اداری، قابل مشاهده است. از سوی دیگر، کاهش اشتغال در بخش کشاورزی که زمانی یکی از ارکان اصلی اشتغال استان بود، ممکن است ناشی از تغییرات در سیاست‌های کشاورزی، توسعه ناپایدار منابع طبیعی یا کاهش بهره‌وری در این بخش باشد. با توجه به این تغییرات، برای رسیدن به توسعه پایدار در استان آذربایجان غربی، نیاز به سیاست‌گذاری‌های مناسب در جهت تقویت بخش‌های کشاورزی و صنعتی و نیز ایجاد فرصت‌های شغلی در بخش‌های نوآورانه و فناوری‌های جدید احساس می‌شود. همچنین، توجه به رشد بخش خدمات باید با توجه به نیازهای اجتماعی و اقتصادی استان، به‌ویژه در مناطق شهری، در نظر گرفته شود تا روند توسعه، به‌ویژه در زمینه اشتغال، به‌صورت متوازن و پایدار پیش رود.

در ارتباط با موضوع توسعه شهری در استان آذربایجان غربی و تأثیر آن بر تغییرات اشتغال، می‌توان مشاهده کرد که روندهای تغییرات در بخش‌های مختلف اقتصادی به‌ویژه در مناطق شهری، ارتباط تنگاتنگی با فرآیند توسعه شهری دارند. در این تحقیق، تغییرات در بخش‌های اقتصادی و اشتغال با شتابی خاص، به‌ویژه در مناطق شهری استان، قابل مشاهده بوده است. رشد بخش خدمات در شهرها و جابجایی نیروی کار به این بخش، نشان‌دهنده توسعه بیشتر در این حوزه و افزایش نیاز به منابع انسانی در عرصه‌های مختلف خدماتی است. توسعه شهری به‌ویژه در مناطق مرکزی استان، به‌ویژه در شهرهای بزرگی چون ارومیه، موجب تغییرات اساسی در ساختار بازار کار شده است. این تغییرات می‌توانند بیانگر افزایش تمرکز بر توسعه زیرساخت‌های خدماتی، آموزشی، بهداشتی، و اداری در مناطق شهری باشد. با توجه به رشد جمعیت شهری و افزایش نیاز به خدمات مختلف، اشتغال در بخش‌های خدماتی، مانند آموزش، بهداشت، حمل‌ونقل و خدمات اداری، به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. از سوی دیگر، توسعه شهری بدون توجه به بخش‌های دیگر اقتصاد، به‌ویژه کشاورزی و صنعت، می‌تواند موجب افزایش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی شود. با کاهش اشتغال در بخش کشاورزی و صنعتی، به‌ویژه در مناطق روستایی، ممکن است شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی در بین مناطق شهری و روستایی عمیق‌تر شود. این امر می‌تواند به تشدید روند مهاجرت از روستا به شهرها و در نتیجه، افزایش فشار بر زیرساخت‌های شهری منجر گردد. بنابراین، توسعه شهری پایدار باید به‌طور هم‌زمان به تقویت بخش‌های کشاورزی و صنعتی در مناطق روستایی و شهری توجه کند تا اشتغال در این بخش‌ها حفظ شده و از پدیده‌هایی همچون حاشیه‌نشینی و بیکاری در مناطق روستایی جلوگیری شود. با ایجاد مشاغل پایدار در بخش‌های مختلف، می‌توان به توسعه متوازن شهری و روستایی دست یافت و روندهای مهاجرت به شهرها را کاهش داد.

یافته‌های این پژوهش در زمینه تغییرات اشتغال در استان آذربایجان غربی با نتایج پژوهش‌های پیشین هم‌راستا است. به‌طور خاص، در پژوهش‌های زاهدی (۱۳۹۷) با عنوان "تغییرات اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی استان آذربایجان غربی" و رستمی (۱۳۹۸) با عنوان "مهاجرت و نابرابری‌های اجتماعی در استان آذربایجان غربی"، کاهش اشتغال در بخش کشاورزی و افزایش اشتغال در بخش خدمات مشاهده شده است. همچنین، در تحقیق امینی و همکاران (۱۳۹۶) تحت عنوان "تأثیر توسعه شهری بر نابرابری‌های اقتصادی در استان آذربایجان غربی" و شیرازی و همکاران (۱۳۹۹) با عنوان "توسعه پایدار شهری و اشتغال در استان آذربایجان غربی"، تأثیرات مشابهی در رابطه با توسعه شهری و تغییرات اشتغال مشاهده گردید. این نتایج نشان‌دهنده روند مشابه انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش خدمات و تأثیرات آن بر نابرابری‌های اقتصادی در مناطق شهری و روستایی استان است.

این تحقیق همچنین بر اهمیت برنامه‌ریزی شهری برای مقابله با چالش‌های ناشی از تغییرات اشتغال تأکید دارد. سیاست‌های کلان شهری باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که به توزیع مناسب اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی پرداخته و از رشد ناپایدار بخش خدمات جلوگیری کنند. به‌ویژه در شهرهای بزرگ استان که بیشترین رشد را در اشتغال بخش خدمات داشته‌اند، لازم است که به سمت توسعه بخش‌های تولیدی و صنعتی نیز گام‌های مؤثری برداشته شود تا توسعه شهری به‌صورت پایدار و متوازن پیش رود. برای بهبود وضعیت اشتغال و کاهش نابرابری‌های اقتصادی در استان آذربایجان غربی، نیاز به اجرای سیاست‌ها و اقدامات مشخصی است که بتوانند روندهای منفی موجود را معکوس کرده و به توسعه پایدار استان کمک کنند. در این راستا، چند پیشنهاد و راهکار برای بهبود وضعیت اقتصادی و اشتغال استان ارائه می‌شود. پیشنهادات و راهکارها به صورت ذیل می‌باشد:

- توسعه بخش کشاورزی و صنایع وابسته: با توجه به اینکه بخش کشاورزی هنوز بخش عمده‌ای از اشتغال استان را به خود اختصاص می‌دهد، حمایت از این بخش از طریق افزایش بهره‌وری و معرفی تکنولوژی‌های نوین کشاورزی می‌تواند به پایداری اشتغال در این بخش کمک کند. همچنین، توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی برای ایجاد ارزش‌افزوده و ایجاد مشاغل جدید در این بخش ضروری است.
- تشویق به سرمایه‌گذاری در بخش‌های نوآورانه و فناوری‌های جدید: با توجه به رشد سریع بخش خدمات و نیاز به کسب‌وکارهای نوآورانه در استان، حمایت از استارت‌آپ‌ها و فناوری‌های نوین، به‌ویژه در زمینه‌های مرتبط با فناوری اطلاعات و گردشگری، می‌تواند باعث ایجاد مشاغل پایدار و بهبود وضعیت اقتصادی شود.
- بهبود آموزش و مهارت‌آموزی نیروی کار: برنامه‌ریزی برای آموزش و مهارت‌آموزی نیروی کار به‌ویژه در مناطق روستایی و کمتر توسعه‌یافته می‌تواند به کاهش نابرابری‌های شغلی کمک کند. برگزاری دوره‌های مهارت‌آموزی در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در بخش‌های خدماتی و فناوری اطلاعات ضروری است.
- تقویت زیرساخت‌های شهری و روستایی: توسعه زیرساخت‌های شهری و روستایی به‌ویژه در زمینه‌های حمل و نقل، آب و فاضلاب و برق می‌تواند به بهبود شرایط زندگی و کاری در استان کمک کند و انگیزه‌ای برای جذب سرمایه‌گذاران و ایجاد مشاغل جدید فراهم آورد.
- ایجاد هم‌افزایی میان بخش‌های دولتی و خصوصی: ایجاد همکاری‌های مشترک بین بخش دولتی و بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های اقتصادی و اشتغال‌زایی می‌تواند به تقویت اقتصادی استان کمک کند و از وابستگی به بخش دولتی بکاهد.
- توسعه گردشگری پایدار: با توجه به موقعیت جغرافیایی و منابع طبیعی استان، توسعه گردشگری پایدار و ایجاد مشاغل مرتبط با آن، می‌تواند به بهبود اشتغال در مناطق روستایی و کمتر توسعه‌یافته کمک کند.

منابع و مأخذ

- Bruyn, Amini, H., et al. (2017). The Impact of Urban Development on Economic Inequality in West Azerbaijan Province. *Urban Studies Journal*. [In Persian].
- Asgari, A. (2003). dynamic urban economy, efficient urban management, municipalities monthly, year 5, number 53, pp. 18-21 [In Persian].
- Bakhtiari, S, & Yahyaabadi, A. (2002). the analysis of the structural change in employment and shifting labour between economic sectors in iran. *research bulletin of isfahan university (humanities)*, 12(1-2), 55-76. <https://sid.ir/paper/24911/en> [In Persian].
- Farhodi, R.a., & Mohammadi, A. (2006). investigation and forecast of employment in sanandaj, using the "shift-share" model. *geographical research quarterly*, 38(55), 189-202 sid. <https://sid.ir/paper/5556/en> [In Persian].
- Farshadfar, Z, & Asghar por, H. (2010). studying the employment generating relative advantage in economic sectors of kermanshah province., *knowledge & technology*, 1(2), 60. magiran.com/p798867. [In Persian].
- Fernández, M, & Menéndez. A. (2006), spatial shift-share analysis versus spatial filtering. an application to the spanish employment, 46 congress of the european regional science association, volos. greece, pp.1-21.
- Hirschman, A. O. (1958). *The Strategy of Economic Development*. Yale University Press.
- Jafari samimi, A, & Shafiee, Sh. (2002). an investigation of the employment, exporting & value added comparative advantage of the textile industry in the mazandaran province. *journal of sustainable growth and development (the economic research)*, 1(3), 113-130 sid. <https://sid.ir/paper/86491/en> [In Persian].
- Kalantari, K. (2001). *regional planning and development (theories and techniques)*, khoshbin publications, anwar danesh [In Persian].
- Karbasi, A., Asnashari, H, & Aghel, H. (2008). forecasting agricultural sector employment in iran. *journal of agricultural economics and development*, 22(2), [In Persian].
- Kermani, S, & Jamshidi, R. (2001). analysis of the employment trend and its structural changes in the industry sector in different provinces of the country. *economic research (sustainable growth and development)*, 1 (1), 4-16 <http://noo.rs/yix2t> [In Persian].
- Keynes, J. M. (1936). *The General Theory of Employment, Interest, and Money*. Macmillan.
- Knudsen, C. (2002), shift-share analysis: further examination of models for the description of economic change, department of geography, bloomington, usa.
- Kuznets, S. (1955). *Economic Growth and Income Inequality*. *The American Economic Review*, 45(1), 1-28.
- Masrinejad, s, & turki, l. (2004). analysis of employment structure in the major economic sectors of urban areas of iran during the period (1993-2003) ("shift-shore method" share change approach and "location quotient" lq index). *macroeconomics research letter*, 4 (15), 109-128 https://jes.journals.umz.ac.ir/article_151.html [In Persian].
- Myrdal, G. (1957). *Economic Theory and Under-developed Regions*. Duckworth.
- Pedram, M, & Habibifar, M. (2009). the survey on the long-term relationship of labor demand and effective factors in iran's industry sector, by using johansen co-integration test. *economic research review*, -(3 (supplement)), 141-161 sid. <https://sid.ir/paper/67227/en> [In Persian].
- Ricardo, D. (1817). *On the Principles of Political Economy and Taxation*. John Murray.

Rostami, S. (2019). Migration and Social Inequalities in West Azerbaijan Province. *Social and Economic Development Journal*.

Sarvar, H., Poortaheri, M., Parhizkar, A., & Kazemiyan, Gh.R. (2010). economic globalization and sustainability challenges in tehran metropolitan area. *spatial planning (modares human sciences)*, 14(2 (66)), 23-42. <https://sid.ir/paper/171936/en> [In Persian].

Shahabadi, A. (2005). the sources of the service sector growth of the economy of iran. *journal of economic essays*, 2(3), 35-60 sid. <https://sid.ir/paper/108889/en> [In Persian].

Shirazi, A., et al. (2020). Urban Sustainable Development and Employment in West Azerbaijan Province. *Urban and Regional Planning Quarterly*. [In Persian].

Solow, R. M. (1956). A Contribution to the Theory of Economic Growth. *The Quarterly Journal of Economics*,

Statistical and Economic Yearbook of Iran. (2011). *Statistical and Economic Yearbook of Iran*. [In Persian].

Statistical and Economic Yearbook of Iran. (2016). *Statistical and Economic Yearbook of Iran*. [In Persian].

Statistical and Economic Yearbook of Iran. (2021). *Statistical and Economic Yearbook of Iran*. [In Persian].

Statistical Yearbook of West Azerbaijan Province. (2011). *Statistical Yearbook of West Azerbaijan Province*.

Statistical Yearbook of West Azerbaijan Province. (2016). *Statistical Yearbook of West Azerbaijan Province*.

Statistical Yearbook of West Azerbaijan Province. (2021). *Statistical Yearbook of West Azerbaijan Province*.

Zahdi, M. (2018). Employment Changes in Various Economic Sectors in West Azerbaijan Province. *Geography and Economic Development Journal*.

Zhu, H., qian, j., gao, y. (2011), globalization and the production of city image in guangzhou's metro station advertisements, *cities*, 28, pp. 221-229.

Ziari, K, (1999). principles and methods of regional planning, first edition, yazd university publications. [In Persian]

Ziari, K. (2001). analysis and planning of employment in yazd province. *geographical research*, 16(2 (61)) , 89-107. sid <https://sid.ir/paper/29794/en> [In Persian].